



علوی انتخاب



باملاک علی رأی می دهم



در دسترس مردم بودن

سید میثم موسوی نژادیان

علیرضا حسن تبار



پیشگفتار

باسمه تعالی

در راستای ترویج معارف ناب علوی و اعتلای محتوای منابر مبلغین گرامی، موسسه تخصصی خطابه امیربیان شعبه تهران اقدام به تشکیل کارگروه تخصصی نهج البلاغه نموده است.

با توجه به ایام پیشرو و ضرورت ارائه محتوای سیاسی جهت روشنگری اذهان مردم، این کارگروه پژوهش بر روی نامه ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) را در اولویت فعالیت های خود قرار داد؛ حاصل آن پژوهش ها، استخراج مطالب مهمی از جمله ۴۰ ویژگی برای مسئول حکومت اسلامی شده است.

نوشته پیش رو، به توضیح و تبیین یکی از آن ویژگی ها، در قالب منبر کوتاه ویژه سخنرانی بعد نماز جماعت، با استناد به مصادیق تاریخی و شاهد مثال از نحوه عملکرد معصومین علیهم السلام علی الخصوص

حضرت امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیهما السلام، به همراه بیان نمونه ای مطابق و نمونه ای مخالف با آن ویژگی، پرداخته است.

با توجه به قالب تعیین شده که لازمه آن اختصار و کوتاه بودن متن است، از پرداختن به بسیاری از نکات و شواهد تاریخی و معاصر، خودداری شده است؛ اما سروران عزیز می توانند با توجه به مخاطب و مجلس خود، به این مطالب بال و پر بدهند و توضیح و تفصیل آن را متناسب با شرایط اضافه کنند.

ان شاءالله در آینده ای نزدیک، تمام آن چهل ویژگی ها به صورت منبر تدوین می شود و در قالب یک کتابچه، به چاپ می رسد.

به امید روزی که نهج البلاغه در میان آحاد مردم و مسئولین کشور، مورد توجه قرار بگیرد و به فرمایشات مولی الموحدین علیه السلام در تمامی عرصه ها، عمل شود.



بسم الله الرحمن الرحيم

ضَرار بنِ ضَمَره، بیان بسیار رسا و شیوایی داشت، شاید به خاطر همین هم بود که وقتی معاویه لعنه الله او را موقع حج دید، از او خواست که علی علیه السلام را برایش توصیف کند.

خب، جریان مهمی است؛ تصور کنید یار مخلص حضرت امیرالمومنین علیه السلام، با بدترین انسانهای آن دوران دیدار کرده، و آن انسان پست یعنی معاویه از او می خواهد که بهترین خلائق، یعنی علی علیه السلام را، آن هم پس از شهادت ایشان توصیف کند! لذا این داستان مورد توجه علما واقع شده و یکی از منابعی که این واقعه را نقل می کند، کتاب خصائص الائمة جناب سید رضی رحمه الله گردآورنده کتاب شریف نهج البلاغه است:

ضرار دو راه بیشتر در پیش رو نداشت؛ یا باید دروغ می گفت و یا باید صادقانه حضرت را توصیف می کرد. طبیعتا هم اگر با صداقت سخن

می گفت جاننش به خطر می افتاد، لذا به معاویه گفت که از خیر این پرسش بگذر، اما معاویه اصرار کرد و گفت: الا و لا بد باید علی را برایم توصیف کنی!

ضرار که دید چاره ای نیست قید همه چیز را زد و شروع کرد در وصف مولا سخن گفتن. همین قدر بگویم که آنقدر ضرار در مدح حضرت مطالب ناب گفت که معاویه نتوانست جلوی خود را بگیرد و به گریه افتاد و با سوگند مهر تایید بر سخنان ضرار زد و گفت او راست می گوید.

یکی از جملاتی که ضرار در توصیف حضرت به معاویه گفت این بود:

علی در میان ما، همچون یکی از ما بود...

خب این همان سیره ی رسول خدا صلی الله علیه وآله بود که زمانی که در جمع بودند کسی نمی فهمید که کدام رسول الله است؟! علی علیه السلام هم با وجود اینکه حاکم اسلامی بود، اما ضرار می گوید که در بین ما، همچون یکی از ما بود؛ چند حلقه ی حفاظتی نداشت، منشی دفتر و مسئول برنامه هایش نمی گفت که الآن ایشان در جلسه هستند، غافل از اینکه جلسه ای در کار نیست و جناب مدیر دارند نسکافه میل می کنند. دفتر کار آقا امیرالمومنین علیه السلام در طبقه انتهایی برج مرتفع و مجلل نبود و مسیر حرکت ایشان در ساختمان اداری آسانسور جداگانه و پلکان مجزا نداشت که مبادا با مردم رو برو بشود. سیره علی در حکومت داری این گونه بود.

حضرت امیر علیه السلام بر این مسئله که مسئول اسلامی باید در دسترس مردم باشد بسیار تأکید داشتند، چه در رفتار خودشان و چه در سفارش هایشان به مسئولین زیر دست خود؛ به طور مثال می توان به نامه ۵۳ نهج البلاغه اشاره کرد که حضرت خطاب به مالک اشتر می فرماید:

فَلَا تُطَوِّنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ
الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيقِ وَقَلَّةٌ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ^۱

پنهان ماندن را از رعیت طولانی مکن، که در پرده ماندن
حاکم شعبه‌ای است از تنگ خوبی و کم اطلاعی به امور.^۲

یعنی در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه خود از مردم
پنهان کن، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار بده تا
ضعیفان و بیچارگان بتوانند نیازمندی‌ها و شکایت خود را به گوش تو
برسانند و تو نیز از جریان امور بی اطلاع نباشی.

^۱ نهج البلاغه (صبحی صالح) نامه ۵۳

^۲ نهج البلاغه / ترجمه انصاریان، ص: ۷۰۲

بگذارید یادی کنیم از سید آزادگان، حجة الاسلام علی اکبر ابوترابی رحمه الله عليه. این شخصیت با عظمت در مجلس چهارم و پنجم نماینده مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی بود. میخواهم چند خاطره از زبان اکبر رحیمی مسئول دفتر ایشان برای شما نقل کنم. آقای اکبر رحیمی نقل می کند:

بعد از انتخاب شدن وقتی برای جلسه افتتاحیه مجلس شورای اسلامی عازم شدیم همین که نزدیک درب ورودی مجلس شدیم سید دستش را روی دست من گذاشت، به درب ورودی مجلس نگاه کرد و گفت «آقاجون، می دونی اینجا کجاست، می دونی من دارم کجا میرم؟ مجلس دروازه جهنم است، اگر نماینده‌ای به آن راه پیدا کند اما به وظیفه نمایندگی خود عمل نکند مستقیماً به جهنم خواهد رفت، نمایندگی مجلس حق الناسی بر دوش نمایندگان است.

این شخصیت بزرگ با ساده زیستی تمام بین مردم زندگی می کرد. جلوی چشم مردم بود. با اتوبوس رفت و آمد می کرد. یک عبا به دوش می انداخت که آن هم همسرش برایش دوخته بود. مردم هم با افتخار او را به نمایندگی مجلس انتخاب کردند.

بعد از نماینده شدن ایشان، یک روز سوئیچ ماشینی را درب منزلشان آوردند. همسرشان در را باز کردند گفتند این سوئیچ داستانش چیست؟!

پاسخ دادند که سوئیچ این ماشینی است که برای رفت و آمد نماینده های مجلس به آنها داده می شود. خانم پاسخ دادند: آقا سید به این کارها راضی نیست؛ ما هم مثل بقیه مردم با اتوبوس رفت و آمد می کنیم و راضی هم هستیم. ببرید تحویل دهید به همانجا که گرفتید.^۳

از این شخصیت ها در مجلس شورای اسلامی کم نداشتیم. شهید چمران در دوره اول نماینده بود یا مثلا شهید دیالمه نماینده مشهد بود. مردم مشهد هر زمان مراجعه می کردند درب خانه ایشان به روی مردم باز بود و اصلا منزلشان همواره محل رجوع مردم بود.

امروز اما نمی گویم در همه جا، ولی هست مواردی که فرضا مردم یک شهر به یک نفر کاندیدا از بین خودشان رأی می دهند و آن شخص وقتی نماینده ی مجلس شد، دیگر نمی توانی او را پیدا کنی! اصلا با مردم بودن پیش کش! معلوم نیست جناب مسئول کجا هست؟! خب، تعارف نداریم که، چنین نماینده و مسئولی، با معیار و خط کش حکومت علوی، اصلا محلی از اعراب ندارد. اینها را چه به نمایندگی و خدمتگزاری به مردم شریف ما!

در ادامه ضرار می گوید: هرگاه او را صدا می کردیم، جوابمان را می داد و هرگاه از او پرسشی می کردیم، پاسخگو بود.

عجب ویژگی غریبی! پاسخگویی به مردم؟ پای درد مردم نشستن؟! الله اکبر که بعضی مسئولین ما در کشور فتنه ها درست کردند و خون ها ریختند و بعد هم آمدند پشت دوربین و اصلا انگار نه انگار. کار ما به جایی رسیده که وقتی مسئولی از مردم عذرخواهی می کند بخش های خبری پوشش می دهند که ایها الناس! فلانی از مردم پوزش طلبید.

آقای نماینده! آقای وزیر! آقای که در هر نقطه ای از این مملکت پستی داری!؛ به پیر، به پیغمبر، مردم با همین نهج البلاغه انقلاب کردند، حق دارند که انتظار پاسخگویی و رسیدگی به مشکلاتشان را داشته باشند. وظیفه ی هر مسئولی در جمهوری اسلامی پاسخگویی و در دسترس بودن است.

مبادا کاندیدایی با رای ما وارد مجلس شود و به عنوان نماینده این ملت بر صندلی مجلس تکیه کند اما مردمی نباشد. به کسانی رای بدهیم که در بین مردم اند. از جنس مردم اند. خاکی هستند. سرد و گرم چشیده اند. اهل تجمل و تشریفات نیستند. این روزها و شبها برخی کاندیداها تازه یادشان می افتد که این شهر مسجد هم دارد!؛ تا قبل از این سال تا سال نه هیئت می آمدند نه نماز جماعت شرکت می کردند. اصلا بین مردم

نبودند. اما الان به برکت انتخابات قنوت می گیرند، اشک می ریزند، نذری می دهند قربانی می کشند. تا دیروز کجا بودند؟! عزیزان من! خیلی باید دقت کنیم. اگر کاندیدایی قبلا سابقه مسئولیت داشته _ که البته معمولا این طور است _ به سوابقش رجوع کنیم و این شاخصه انتخاب علوی را در او بررسی کنیم. اگر هم دوره اولی است که کاندیدا شده، باید با دقت بیشتری از مطلعین تحقیق کنیم. ان شالله به همت شما مردم متدین و انقلابی و به عنایت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شاهد شکل گیری مجلسی قوی و مردمی در این دوره پیش رو باشیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.